



گلی امامی

عضو هیئت تحریریه

## بیستمین سال مجله مترجم

بیست سال پیش، زمانی که جوان دانشجوی خجول و مشه‌دی رشته دکترای زبانشناسی دانشگاهی در انگلستان طی نامه‌ای از کریم امامی خواست که با او در انتشار نشریه‌ای تحت عنوان مترجم همکاری کند، و امامی با روی باز استقبال کرد و پذیرفت، شاید ابروهای من کمی از تعجب بالا رفت. (ما تهرانی‌ها به غلط همیشه بر این باوریم که اتفاقات مهم ادبی فقط در تهران رخ می‌دهد، بسی تصور باطل.) امامی را می‌شناختم که به این آسانی تن به همکاری با کسی نمی‌دهد. معیارهای بالا و کمال‌گرایی‌اش اولین مانع این عدم پذیرش بود. اما می‌دانستم که مقوله ترجمه همیشه از دغدغه‌های ذهنی او بود، و حال که می‌دید کسانی هم مانند خودش علاقه‌مند پرداختن به این مسئله هستند، تصمیم گرفت هر کاری از دست‌اش بر می‌آید برای پرورش این نوزاد انجام دهد. هر چند وقت زیادی نداشت و به قول خودش مجبور بود برای تامین هزینه زندگی قلم بزند، در عین حال پروژه فرهنگ فارسی به انگلیسی‌اش را یک تنه آغاز کرده بود و راه‌درازی در پیش داشت.

این همکاری اول از طریق مکاتبه از ایران به انگلستان آغاز شد، (اینترنت هنوز رایج نبود) و هر چند این دو تا چند سال بعد، و پس از بازگشت دکتر خزاعی‌فر از انگلستان، و استقرار در مشهد، و آغاز به کار در دانشگاه فردوسی، حضوراً یکدیگر را ملاقات نکرده بودند، ولی همکاری دوسانه آن‌ها همچنان تا زمان رفتن او ادامه یافت. مجموعه مقالاتی را که کریم امامی تحت عنوان «کارگاه ترجمه» برای مجله می‌نوشت و هر بار به یکی از مشکلات ترجمه می‌پرداخت و راه‌حلهائی ارائه می‌داد، پس از رفتن‌اش در جلد دوم «از پست و بلند ترجمه» منتشر شده است.

مجله مترجم مجله مرتبی نبود. سر وقت منتشر نمی‌شد. پخش وسیعی نداشت، سر و شکل چندان جذابی هم نداشت. اما زمانی که مجله می‌رسید هیچ‌کدام این نارسایی‌ها

عیب بزرگی محسوب نمی‌شد چرا که محتوای مجله جبران همه آنها را می‌کرد. فقط کسانی که با نشر و انتشار مجله سر و کار دارند می‌دانند تهیه و تولید مجله‌ای تخصصی، پر محتوا و البته مستقل و بدون دریافت هر گونه یارانه‌ای، چه کار دشواری است.

اکنون که شماره‌های گذشته مترجم را ورق می‌زنیم می‌بینیم هر شماره در حد خود مرجعی است برای هر کسی که با ترجمه سر و کار دارد اعم از دانشجوی رشته ترجمه یا علاقه‌مند به این مقوله. و البته هر چه زمان پیش‌تر رفت

محتوای مجله هم آموزنده‌تر و پر بارتر شد. تا جایی که به جرات می‌توان ادعا کرد در زمینه ترجمه تنها مجله ارزشمند و کاربردار است و در تاریخ مطبوعات ایران، در نوع خود بی‌نظیر.

آن نوزاد اکنون بیست ساله شده، از آب و گل درآمد، شناخته شده، خواننده‌های‌اش را پیدا کرده. هر چند هنوز معتقدم می‌توانست برد بیشتری داشته باشد.

اکنون پس از دو دهه، دکتر خزاعی فر، به دلیل مشغله زیاد، تنها به نظارت عالی می‌پردازد و یکی از شاگردان ساعی و هوشمند اوست که سکان را به دست گرفته. و الحق هم خوب آن را هدایت می‌کند تا آنجا که شاید افراد اندکی متوجه این جا به جایی شده باشند. باشد که این راه ادامه بیابد و افراد بیشتری از مطالب آن بهره‌مند شوند.

به امید پایداری دست‌اندرکاران مترجم و ادامه راه توسط نسل جوان‌تر و پویاتر.

بیست سالگی این مجله با ارزش و آموزنده مبارک باشد. 

